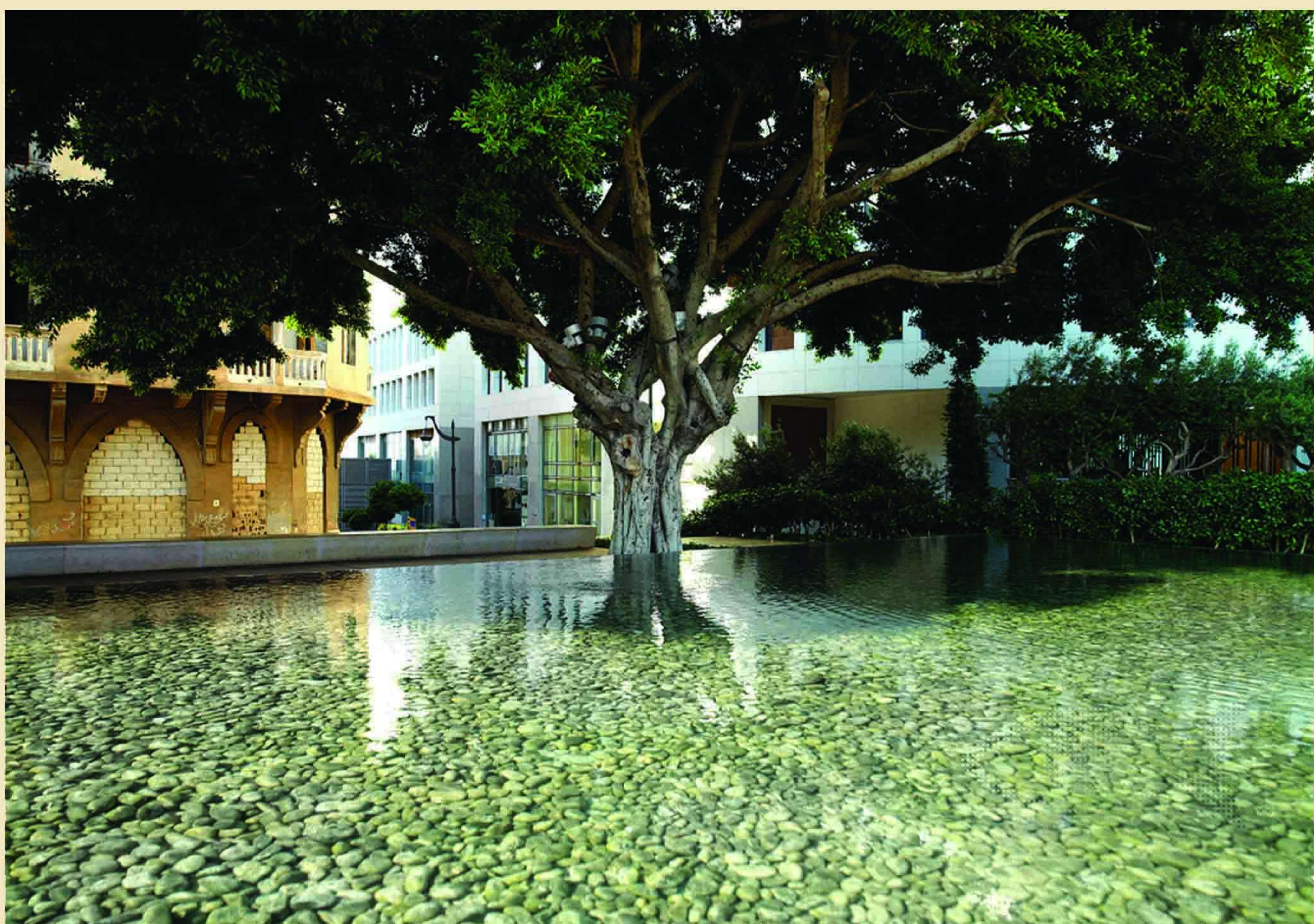


تخصیص، احیا و خلق هویت از طریق معماری

زمانی به کمک دانش محلی رایج اطمینان حاصل می‌شد که بناها ارتباط تنگاتنگی با محیط و جامعه اطرافشان دارند. با رشد سریع شهرسازی و حرفة‌ای شدن طراحی و ساخت، معمارین شاغل در عرصه بین‌الملل با درک و تصور صحیح و منطبق بر مکان و بافت و با پذیرش مسئولیت توانسته‌اند از این فرصت استفاده کرده و مفاهیم محلیت و هویت را گسترش دهند. در طی دو دهه اخیر، جایزه معماری آفاخان تلاش تیم‌های طراحی را که در خلق آثار معماری استثنایی در جوامع اسلامی سراسر دنیا نقش داشته‌اند، مورد تقدیر قرار داده است. در ادامه، مدیر برنامه‌ریزی این جایزه فرخ درخشانی برخی از مسائل کلیدی پرداختن به هویت در معماری را شرح می‌دهد.



Vladimir Djurovic Landscape Architecture, Samir Kassir Square, Beirut

از آغاز قرن بیستم، به نظر می‌رسد «فضای منسجم و هماهنگی» که اغلب در سازه‌های شهری و معماری تاریخی دیده می‌شد و آرزوی عموم مردم بود، توسط «فضای بی‌نظم و آشفته» نوظهوری تهدید می‌شود.

مفهوم هویت به موضوع اصلی مباحث همایش‌ها و رویدادهای معماری سراسر دنیا تبدیل شده است. از جمله دغدغه‌های اساسی جوامعی که روند سریع شهرسازی در آن‌ها در جریان است و همچنین مناطق روستایی که به سرعت در حال تحول و توسعه هستند، تمایز و متفاوت بودن از لحاظ فرهنگی است.

مفهوم معماری از آنجا که تأثیر عینی بر محیط اجتماعی دارد سرآمد این مبحث قرار می‌گیرد. این مسئله در جوامع در حال تحول ملموس‌تر نیز می‌شود تا جایی که مسئولیت عدم تحقق آرزوهای بخش وسیعی از جامعه بر عهده افرادی است که محیط انسان‌ساخت را به وجود می‌آورند. از آغاز قرن بیستم، به نظر می‌رسد «فضای منسجم و هماهنگی» که اغلب در سازه‌های شهری و معماری تاریخی دیده می‌شد و آرزوی عموم مردم بود، توسط «فضای بی‌نظم و آشفته» نوظهوری تهدید می‌شود. سرعت تحولات جوامع منجر به ایجاد نوعی از هم‌گسیختگی شده است؛ تغییر سلایق و ارزش‌ها اشکال جدیدی از سازه‌های تجاری و مجتمع‌های خردۀ فروشی به وجود آورده است ولی با این حال ثابت شده است که این تغییرات نمی‌توانند منجر به ایجاد فضاهای منسجم شهری و فضاهای عمومی به یک اندازه شوند.

در گذشته فضاهای منسجم و هماهنگ سنتی توسط افرادی خلق می‌شدند که 'براساس ارزش‌های خود و برای خود می‌ساختند'. این فضاهای از طریق دانش فرهنگی و معماری رایج گسترش می‌یافتند.

قرن بیستم تأثیرات دیگری نیز در خلق و تغییر محیط انسان‌ساخت به همراه داشت. تأثیراتی که به طور خاص از



Anna Heringer and Eike Rosswag School in Rudrapur Dinajpur, Bangladesh

و روستاها به دلیل پاس داشتن شیوه سنتی معماری در نقطه‌ای از تاریخ درجا بزنیم. جوامع نمی‌توانند مانند روستایی در کوه‌های آلب و یا شهر کوچکی در قرون وسطی فقط به عنوان جاذبه توریستی تا ابد به حیات خود ادامه دهند. در اکثر نقاط دنیا، زمان عامل اصلی تغییرات است به طوری که هر روز شرایط محلیت تغییر کرده و لایه‌های جدیدی در پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به وجود می‌آیند.

علاوه‌گم همه مرکز موجود بر روی موضوع هویت در معماری، تعریف این مفهوم همچنان دشوار است. امروزه بیش از هر زمان دیگر مصالح، فن‌آوری و به خصوص آموزش معماری یکسان در دسترس معمارین در سراسر دنیا قرار دارند. حال سؤالاتی که مطرح می‌شوند این است که لایه‌های متعدد هویت چگونه می‌توانند در درون مفهوم معماری بگنجند؟ پیچیدگی‌های یک جامعه چگونه در معماری آن نمود می‌یابند؟ آنچه مسلم است این است که هنگامی که به موضوع چندلایگی هویت پرداخته می‌شود لازم است رویکردی فراگیر و نه انحصاری اتخاذ گردد تا بتوان تکثر جوامع را نشان داد.

احیای مفهوم محلیت

معماری بناهای نهادهای دولتی می‌تواند الگویی در ایجاد هویت محلی جدید باشد. در سال ۱۹۹۶، "تورگوت کانسور" و "ارتوت ینر" با پیروی دقیق از عناصر سنتی و به کارگیری مجدد ماهرانه آن‌ها بنای کتابخانه و مرکز کنفرانس جامعه تاریخی ترکیه در آنکارا را خلق کرده و نقش به سزاوی در بازآفرینی و احیای مفهوم محلیت به شکلی نو ایفا کردند. این بنای که به منظور بسط فضای

دول پسا استعماری و نظامهای حکومتی و همچنین متخصصین بین‌المللی غرب‌گرا از جمله معمارین، مهندسین و برنامه‌ریزان نشأت می‌گرفتند. این تأثیرات در نهایت منجر به این شد که افراد بر اساس ارزش‌های خود برای سایرین بسازند.

ولی امروزه به دلیل اینکه مهاجرت و تعامل فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و آمال جدیدی به وجود آورده‌اند، برنامه‌ریزان و طراحانی که درک و تصور صحیح و کاملاً منطبقی با مکان و بافت دارند، فرصت‌های تازه و بعض‌اً استثنایی برای گسترش مفاهیم محلیت و هویت پیش روی خود می‌بینند.

از پدیده "جهانی شدن" بیش از آنکه به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر واقعیت کنونی معماری تطبیق یافته محلی (بومی سازی شده) یاد شود به عنوان دشمن آن یاد می‌شود. گرایش کلی موجود در دوردست ترین روستاها تا بزرگترین کلان‌شهرها این است که جوامع از طریق ارتباطات و تحرکات بیشتر در هم تنیده شوند. در این جوامع، لایه‌های دانش و آگاهی مدام در حال شکل‌گیری و آگاهی نسبت به سایرین نیز در حال افزایش است. این گرایش باعث شده نیاز فزاینده‌ای برای بازتعریف اصطلاح "محلي" احساس شود.

مفهوم "محلي" مدام در حال تغییر است و در بافت محیط انسان ساخت نیاز به بازتعریف دارد. سازه‌هایی که به شیوه محلی ساخته می‌شوند ضرورتاً نباید به دلیل ماهیتشان در به کارگیری مصالح و فن‌آوری نیز ایستاد و سنتی باشند. نوستالژی و تاریخ‌گرایی اغلب این تصور اشتباه را به وجود می‌آورد که معماری خوب محلی ایجاب می‌کند که ما در طی فرآیند تکامل شهرها و



Grameen Bank Housing Programme, Bangalore, Bangladesh

خلق هویت‌های جدید

امروزه جوامع در حال تغییر، فارق از اینکه سنت‌های معماری پیچه‌های دارند یا خیر، برای مطرح شدن در دنیا نیازمند بناهای پرصلابت و انحصاری هستند. این بناهای در برخی موقع نوعی هویت و حس تعلق ایجاد می‌کنند. پاتریک دوزاریک^۱ معمار و قوم‌گار با الهام از میراث فرهنگی غنی آفریقای غربی و بدون تأثیرپذیری از معماری این منطقه در سال ۱۹۹۴ بنای "آلیانس" (اتحاد) فرانسه-سنگالی را در کائولاك سنگال خلق کرد. مرکزی کاملاً منطبق با فرهنگ آن منطقه که در عین حال هویت محلی جدیدی به وجود آورده بود. او با تزیین لوله‌های پی‌وی‌سی، دیوارها و سنگ‌فرش‌ها با طرح‌های رنگارنگ و همچنین با به کارگیری مصالح و فن‌آوری مختص آن منطقه، با شجاعتی خاص بنایی خلق کرد که مورد تحسین سنگالی‌ها قرار گرفت. در جایی دیگر و در صحرای خشک و بی‌روح آفریقا، "فابریتیسو کارولا"^۲ بیمارستانی در شهر دورافتاده کائندی در موریتانیا بنا کرد که مورد استفاده ADAUA (گروهی که بر روی موضوع "معماری مناسب برای آفریقا" کار می‌کند) قرار گرفت. او در این بنای اجر به عنوان مصالح و فن‌آوری جدید بهره گرفت. موفقیت این پروژه در گرو خلق رویکردی جدید برخلاف طرح‌های سنتی ساخت بیمارستان بود. در این بیمارستان، آخرین تکنیک‌های پیشرفته پزشکی در کنار شیوه‌های درمان و معالجه سنتی خانواده محور و

شهری به شکل محافظت‌شده ساخته شده، دارای یک میان‌تالار مرکزی است که یادآور مدارس عثمانی می‌باشد. به علاوه، از مصالح سنتی و مدرن نیز می‌توان در کنار یکدیگر استفاده کرد. برای مثال، در سال ۲۰۰۵ مدرسه دست‌سازی در روستای رودرپاپور در بنگلادش توسط آنا هرینجر^۳ ساخته شد که در ظاهر از شیوه ساخت و ساز کاملاً سنتی یعنی به کارگیری گل و بامبو پیروی می‌کند ولی در عین حال از تکنیک‌های مدرنی همچون به کارگیری لایه ضد رطوبتی بهره می‌گیرد به گونه‌ای که شالوده‌ای از آجر افزوده شده و کاه درون ابلیز مخلوط شده است. در هر دو مورد فوق، بنایها تعریف جدیدی از محلیت ارائه می‌کنند و این امر از طریق بازآفرینی معماری محقق شده است. بخش وسیعی از محیط انسان‌ساخت اطراف ما از ساختمان‌های مسکونی تشکیل شده است. در دوران پس از جنگ، مسکن سازی در قالب پروژه‌های معماری به عنوان راه حلی سریع، استاندارد و کم هزینه به شکل گستره‌ای در سراسر دنیا افزایش یافت. نکته عجیب در رابطه با این ساختمان‌ها این بود که از آن‌ها به عنوان بناهای غیربومی (محلي) یاد نشد. از سوی دیگر، با در نظر گرفتن واقعیت‌های مختص یک مکان به عنوان پایه و اساس انجام پروژه‌های بزرگ، هویت‌های محلی جدید امکان شکوفایی می‌یابند. به عنوان مثال می‌توان به تأسیس خرده‌بانک‌ها در مناطق روستایی دورافتاده اشاره کرد. این خرده‌بانک‌ها می‌توانند نمایانگر تغییرات محلی باشند و از طرفی هم نیازهای کسب و کارهای کوچک را برطرف کنند.

نمونه معماری این نوع بانک‌ها را می‌توان در بانک مسکن "گرامین" در بنگلادش مشاهده کرد. این بانک‌ها با اعطای وام برای پروژه مسکن‌سازی توسط خود افراد تغییر مثبتی به وجود آورده‌اند و مشکل کمبود مسکن را نیز بهبود بخشیده‌اند. از سال ۱۹۸۴ حدود ۷۰۰۰۰ مسکن از طریق این پروژه ساخته شده‌اند و این می‌تواند نمونه خوبی از انتقال قدرت به افراد از طریق معماری محلی باشد.



در دهکده جهانی امروزی، حتی در دوردست‌ترین مناطق روستایی،
دیگر لازم نیست کسی نگران از
دست رفتن هویت معماری محلی و
یا عدم تمرکز در آن مکان باشد

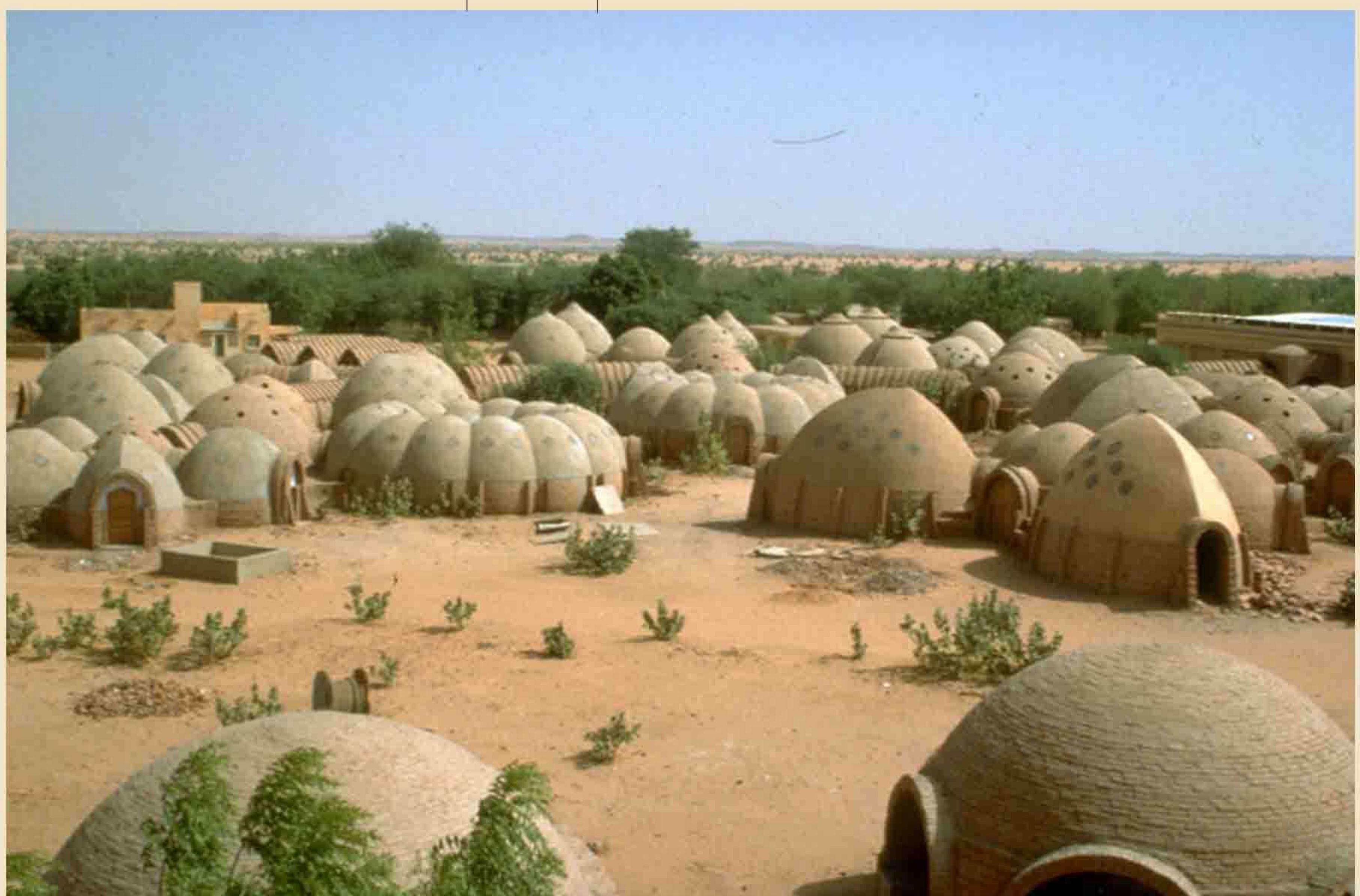
در دهکده جهانی امروزی، حتی در دوردست‌ترین مناطق روستایی، دیگر لازم نیست کسی نگران از دست رفتن هویتو یا عدم تمرکز در آن مکان باشد. بر عکس، افراد باید به این موضوع واقف باشند که می‌توان به جای پافشاری برای داشتن یک هویت واحد در جوامع در حال تغییر به فرآیند تکاملی هویت‌های متغیر بیشتر بها داد. آنچه مسلم است این است که دیدگاه روان پریش‌گونه‌ای که هدفی جز پایه‌گذاری تقابل و تنابع هویت‌های فرهنگی (به طور مثال تقابل فرهنگی شرق و غرب) ندارد باید جای خود را به درک این موضوع بدهد که چگونه معماری‌نگاری برتر می‌تواند به کمک ابزارهای جهانی موجود همچون فن‌آوری، مصالح و منابع به درک صحیحی از محیط انسان‌ساخت رسیده و از آن طریق محلیتی مناسب خلق کند.

مشارکتی موریتانیایی به کار گرفته شدند. شیوه‌های مدرن تولید آجر و کاربرد آن در اشکال مختلف ساخت و ساز نوآورانه نیز معرفی و در نهایت یک هویت معماری منحصر به این مکان خلق شد.

تخصیص (به خود اختصاص دادن) محلیت

در کنار پروژه‌هایی که معمارین در آن‌ها نقش پررنگی در بازارآفرینی و خلق هویت دارند، برخی اوقات عموم مردم و کاربران بنها نیز برداشت جدید و متفاوتی از این پروژه‌ها دارند که باعث می‌شود بنها را به گونه‌ای متفاوت از آنچه در ذهن معمارین و کارفرمایان است به کار گیرند. این پروژه‌ها در برخی مواقع به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر هویت فرهنگی جدید یک منطقه پذیرفته و به مایه افتخار محلی‌ها تبدیل می‌شود. در واقع کاربران، پروژه را به خود اختصاص می‌دهند و هویت آن نماد آرزوهای آن‌ها می‌شود. در شهر چندملیتی بیروت که قبلًا شهری جنگزده بود، 'میدان چهارباغ عمومی' که توسط 'ولادیمیر جوروویچ' در سال ۲۰۰۴

طراحی شد، فضایی مدرن برای تعمق در بخش بیرونی منطقه تجاری شهر فراهم ساخته است. ایجاد فضاهای عمومی با طراحی مناسب از ضروریات بدبختی گسترش شهرهای مدرن است. ولی آنچه که این مکان را متمایز می‌کند، اختصاص آن توسط عموم مردم به خود می‌باشد به طوری که نشان می‌دهد به ویژگی خاص این فضای شهری پی برده‌اند. آن‌ها بلافاصله پس از تجمعاتی که در پی ترور روزنامه‌نگار معروف 'سمیر قصیر' رخ داد، نام این میدان را به نام او تغییر دادند و این در حالی بود که مکان‌های مهم دیگری نیز در شهر برای چنین ادای احترامی وجود داشت.





Author:
Farrok Derakhshani

نویسنده:
فرخ درخشانی

ترجمه:
دفتر معماری و شهرسازی
حامد فتوت

